

بررسی داوری و چالش های حقوق نفت و گاز در ایران و امارات

متحدہ عربی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۲،
صفحات ۱۳-۱

استاد گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

علی کمیلی پور

alikomilipur@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی،
نجف آباد، ایران

سهریر سعیدزاده

s.saeidzadeh@gmail.com

چکیده

در دنیای امروز، صنعت نفت و گاز به عنوان یکی از منابع اصلی اقتصادی کشورهای تولیدکننده انرژی، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این میان، اختلافات حقوقی مرتبط با قراردادهای نفتی و گازی و همچنین چگونگی حل و فصل این اختلافات از طریق داوری، نقشی حیاتی در پایداری و رشد این صنعت ایفا می‌کند. ایران و امارات متحده عربی دو کشور بزرگ در حوزه نفت و گاز در خاورمیانه هستند که با توجه به تفاوت‌های قانونی، اقتصادی و فرهنگی، به‌ویژه در زمینه داوری در امور نفت و گاز، بررسی نظام‌های داوری این دو کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. نفت و گاز به عنوان یکی از منابع اصلی درآمد کشورهای خاورمیانه، نقش اساسی در تحولات اقتصادی، سیاسی و حقوقی منطقه ایفا می‌کنند. از این رو، قراردادهای نفتی و گازی همواره با پیچیدگی‌های حقوقی همراه هستند. این پیچیدگی‌ها می‌تواند به‌ویژه زمانی که طرفین قرارداد از کشورهای مختلف باشند، به اختلافات قانونی منتهی شود. داوری به عنوان یکی از روش‌های مؤثر برای حل و فصل این اختلافات در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای مطرح است. در این زمینه، ایران و امارات متحده عربی به عنوان دو کشور برجسته در حوزه نفت و گاز، از سیستم‌های متفاوتی برای داوری اختلافات مربوط به این صنعت استفاده می‌کنند. این پژوهش، به بررسی تطبیقی داوری حقوق نفت و گاز در ایران و امارات متحده عربی پرداخته است و هدف آن شفاف‌سازی تفاوت‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه است.

واژگان کلیدی: داوری، امارات متحده عربی، حقوق نفت، حقوق گاز

طبقه‌بندی JEL: فقه – حقوق – جزا و جرم‌شناسی – حقوق بین‌الملل – حقوق خصوصی

A study of arbitration and challenges in oil and gas law in Iran and the United Arab Emirates

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year , Issue 22

Pages 1-13

Ali Komilipour

Law Department Headquarters, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

alikomilipur@gmail.com

Sohir Saeedzadeh

Master's student in International Trade Law, Law Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

s.saeidzadeh@gmail.com

Abstract

In today's world, the oil and gas industry, as one of the main economic resources of energy-producing countries, is of particular importance. In this regard, legal disputes related to oil and gas contracts, as well as how to resolve these disputes through arbitration, play a vital role in the sustainability and growth of this industry. Iran and the United Arab Emirates are two major oil and gas countries in the Middle East, and considering the legal, economic and cultural differences, especially in the field of arbitration in oil and gas matters, examining the arbitration systems of these two countries is of great importance. Oil and gas, as one of the main sources of income for Middle Eastern countries, play a fundamental role in the economic, political and legal developments of the region. Therefore, oil and gas contracts are always accompanied by legal complexities. These complexities can lead to legal disputes, especially when the parties to the contract are from different countries. Arbitration is considered as one of the effective methods for resolving these disputes at the international and regional levels. In this context, Iran and the United Arab Emirates, as two prominent countries in the oil and gas sector, use different systems to arbitrate disputes related to this industry. This study has conducted a comparative study of oil and gas arbitration in Iran and the United Arab Emirates, and its aim is to clarify the differences, challenges, and opportunities in this field.

Keywords:

Arbitration, United Arab Emirates, Oil Law, Gas Law

JEL Classification: Jurisprudence - Law, Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

موضوع داورى حقوقى در حوزه نفت و گاز در ايران و امارات متحده عربى يکى از مهم‌ترين موضوعات حقوقى در اين دو کشور است. اين موضوع به دليل اهميت بالاي صنعت نفت و گاز در اقتصاد اين دو کشور، اهميت ويژه‌اى دارد. داورى در اين حوزه به‌عنوان يکى از راه‌حل‌هاى مهم در حل اختلافات قراردادى و قضايى مورد استفاده قرار مى‌گيرد (جنيدى، ۱۴: ۱۳۹۲). ابعاد داورى حقوقى در حوزه نفت و گاز در ايران و امارات متحده عربى بسيار گسترده است. اين ابعاد شامل بررسى ساختار حقوقى مربوط به صنعت نفت و گاز، تعارضات قانونى ميان شرکت‌ها و دولت، نقض قراردادهای نفت و گاز، تعهدات بين‌المللى، حقوق پايه انساني و حقوق محيط زيست است. با توجه به اين ابعاد گسترده، داورى حقوقى در حوزه نفت و گاز براى حل اختلافات مهمى مى‌باشد (بيگدلى، ۱۳۹۴: ۱۰۹). صنعت نفت و گاز به‌عنوان يکى از ارکان اصلى اقتصاد جهانى، به‌ويژه در کشورهاى خاورميانه، از اهميت ويژه‌اى برخوردار است. ايران و امارات متحده عربى، دو کشور با ذخاير نفت و گاز در اين منطقه، همواره در زمينه‌هاى مختلف اقتصادى، تجارى و حقوقى با يکديگر در تعامل بوده‌اند. اختلافات و مناقشات ناشى از قراردادهای نفتى و گازى در سطح بين‌المللى، امرى رايج است که نياز به سازوکارهاى حقوقى مؤثر براى حل و فصل آن‌ها احساس مى‌شود. يکى از اين سازوکارها، داورى است که به‌عنوان يک روش مؤثر و سريع در حل اختلافات تجارى و اقتصادى شناخته مى‌شود. داورى به‌ويژه در مسائل پيچيده و فنى مانند قراردادهای نفتى و گازى از جايگاه خاصى برخوردار است. در شرايطى که طرفين قرارداد به‌ويژه از

کشورهاى مختلف باشند، داورى مى‌تواند به‌عنوان يک روش بى‌طرف و غيرسياسى براى حل مناقشات استفاده شود. داورى حقوق نفت و گاز به‌عنوان يکى از مهم‌ترين ابزارهاى حل اختلافات در قراردادهای تجارى، جايگاه ويژه‌اى در حوزه انرژى و اقتصاد بين‌المللى دارد. مناطق نفت‌خيز، همانند ايران و امارات متحده عربى، به دليل دارا بودن منابع عظيم هيدروکربنى و جذابيت‌هاى گسترده سرمايه‌گذارى، همواره محلى براى انعقاد قراردادهای پيچيده و چندجانبه مرتبط با اکتشاف، توليد، انتقال و صادرات نفت و گاز بوده‌اند. در چنين شرايطى، بررسى‌هاى حقوقى و اقتصادى در خصوص شيوه حل اختلافات اين صنعت، از جمله داورى، از اهميت بالايى برخوردار است. هدف اصلى تحقيق بررسى مباني حقوقى داورى و قوانين و مقررات داورى در قراردادهای نفتى و گازى ايران و امارات متحده عربى است. سوال اصلى تحقيق اين است که چگونه قوانين و مقررات داورى ايران و امارات بر حل و فصل اختلافات نفتى و گازى تأثير مى‌گذارند؟ در اين تحقيق به موارد مختلفى به اهميت داورى در قراردادهای نفتى و گازى پرداخته خواهد شد و به تفاوتهاى و شباهتهاى در داورى بين دو کشور ايران و امارات پرداخته خواهد شد. بررسى اين مسائل به‌ويژه از جنبه حقوقى و اقتصادى، مى‌تواند به روشن‌شدن چالش‌ها و فرصت‌هاى موجود در اين زمينه کمک کند.

۲- داورى در قرارداد نفت و گاز ايران و امارات متحده عربى

داورى در قرارداد نفت و گاز امرى تخصصى و مهم است. قراردادهای نفتى از مهم‌ترين قراردادها براى تمامى کشورها محسوب مى‌شود و

جذابیت سرمایه‌گذاری، امنیت انرژی و توسعه پایدار اقتصادی در این کشورها تأثیرگذار باشند. مطالعه دقیق این سازوکارها به‌ویژه با توجه به نیاز مبرم به گسترش شفافیت و استانداردسازی فرایندهای حقوقی و بین‌المللی، می‌تواند در توسعه سیستم‌های کارآمدتر و بهبود فضای تجاری در این کشورها نقش مؤثری ایفا کند.

۳- نظام حقوقی مالکیت نفت و گاز در حقوق ایران

به نظر می‌رسد اولین مقرر قانونی که در خصوص حق بهره‌برداری از معدن و به‌ویژه نفت در ایران وضع شد، ماده ۳ قانون معادن مصوب ۱۳۱۷/۱۱/۱۶ باشد. به موجب این قانون حق استخراج معادن نفتی در انحصار دولت قرار گرفت. ماده ۳ قانون مذکور مقرر می‌داشت: حق استخراج معادن نفت و مواد نفتی و سنگ‌های قیمتی از قبیل الماس و زمرد و یاقوت و غیره و فلزات قیمتی از قبیل طلا و نقره و پلاتین و غیره منحصر به دولت است و حقوق مالکین این معادن به موجب آیین‌نامه مخصوص، با موافقت بین دولت و مالکین معین خواهد شد. چنانچه ملاحظه می‌شود در این مقرر قانونی تمایل قانونگذار به حاکمیت رژیم انفال بر معادن مشهود است و فقط در جهت رعایت حقوق مکتسبه مقرر شده است که حقوق مالکین باتوافق بین دولت و آنها پرداخته شود.

به نظر می‌رسد که تا قبل از قانون اساسی سال ۱۳۵۸ دو تعریف در خصوص مالکیت نفت در نظام قانونی وارد شده است در دوره نخست و به موجب تعاریف ارایه شده در قوانین سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۳۶ مالکیت نفت مطلقاً متعلق به دولت شمرده شده است سپس در دوره دوم و مابین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۸ به موجب تعاریف

در این نوع قرارداد نیز مانند هر قرارداد دیگری ممکن است طرفین قرارداد که از دو کشور متفاوت هستند با یکدیگر دچار اختلاف شوند و لازم است تا روشی را برای حل این اختلافات در نظر بگیرند. داور همان روشی خواهد بود که می‌تواند به حل اختلافات طرفین کمک کند. در ایران، نظام حقوقی داور نفت و گاز از پویایی کافی برخوردار نیست و اغلب تحت تأثیر نظام حقوق اسلامی، قوانین ملی، و سیاست‌های کلان کشور قرار دارد. این پیچیدگی، به‌ویژه در مواردی که متضمن حضور طرف‌های بین‌المللی است، باعث بروز محدودیت‌ها و چالش‌هایی می‌شود که بر جذابیت ایران برای سرمایه‌گذاری خارجی در این صنعت تأثیر می‌گذارد. افزون بر این، تحریم‌های گسترده و عدم تضمین استقلال کامل نهادهای داور داخلی در ایران، موانع مضاعفی برای حل و فصل کارآمد اختلافات در این کشور ایجاد کرده است. در نقطه مقابل، امارات متحده عربی با اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارائه چارچوب‌های داور پیشرفته، توانسته جایگاه قابل‌توجهی در حل و فصل اختلافات نفت و گاز در سطح بین‌المللی به خود اختصاص دهد. نهادهای داور معتبر این کشور، نظیر مرکز داور بین‌المللی دی (DIAC)، نه تنها از حیث کارآمدی، بلکه در زمینه شفافیت و همسویی با استانداردهای بین‌المللی، توجهات بسیاری را جلب کرده‌اند. این رویکرد مدرن، امارات را به مقصدی جذاب برای حل اختلافات میان شرکت‌های فعال در حوزه نفت و گاز تبدیل کرده است. هدف، ارائه بینشی روشن از تفاوت‌های ساختاری و فرایندی در حوزه داور نفت و گاز در این دو نظام حقوقی است؛ همچنین تأکید می‌شود که این تفاوت‌ها چگونه می‌توانند بر

می‌گیرد. بنابراین مطابق این نظم جدید باید قائل باشیم اقطاع منابع نفتی فقط به مسلمین جایز است. اما به نظر می‌رسد شیوه فعلی برداشت از مخازن نفتی و نگاه درآمدی به آن در هیچ جای فقه اسلامی سابقه ندارد و اصولاً در این بحث تطابقی بین احکام اولیه فقهی و حقوق ایران وجود ندارد. شاهد مثال این ادعا آن است که تمامی منابع مالی دولت اسلامی مانند خمس و زکات و ... نتیجه تلاش و کوشش افراد جامعه و به بیان دیگر نتیجه عمل تولیدی و تجاری است و این آن چیزی است که در اسلام پذیرفته شده و ردی بر آن گذارده نشده است. در اینجا مبنای اصولی فقیه بسیار کارساز است اگر قایل به توفیقی بودن احکام باشیم درآمدزایی از منابع ملی و انفال برای اداره امور جاری و در واقع محروم نمودن نسل‌های آینده از این ثروت‌ها به شدت محل تردید است. حتی اگر این موارد را جز منطقه الفراق احکام شرعی هم بدانیم حکم به فروش و صرف این اموال در امور جاری چندان موافق عقل که از منابع اجتهاد است نیست. نظام مالکیت و حاکمیت بر نفت در بیانیه‌های سازمان ملل (اصل حاکمیت ملت‌ها بر منابع طبیعی، حسنی، ۱۳۹۱)

۴- قوانین داوری در امارات متحده عربی

از آنجایی که قوانین مدنی خاورمیانه برگرفته از قوانین شرعی است، چندین حوزه قضایی بازرایی سود در پرونده‌های مدنی را ممنوع کرده‌اند. در نتیجه، توانایی ادعای منافع در داوری به قانون قابل اجرا حاکم بر اختلاف بستگی دارد. به دلیل ماهیت پیچیده قوانین شرع و تفاسیر آن، حق مطالبه بهره برای تأخیر پرداخت‌ها مبهم

قانونی عبارات قانون‌گذار در معرفی مالک مخازن نفتی تغییر نموده و ملت ایران به عنوان مالک این مخازن معرفی شدند. هر چند این تعریف قانونی با برخی آرای فقهی که قائل به اباحه عام در برداشت از معدن هستند نزدیک است ولی به نظر می‌رسد در همان دوره زمانی هم در عمل بیشتر آثار و احکام انفال در خصوص معدن نفتی اجرا شده و نیت خاصی در این تغییر عبارت قانون‌گذار نهفته نبوده است. زیرا همانطور که در شرح آرای فقهی گذشت، چنانچه معدن را از مشترکات عامه بدانیم، عموم مردم فقط به قدر نیاز خود مجاز به استفاده از ذخایر معدنی هستند و حکمی برای برداشت از معادن به منظور درآمدزایی به چشم نمی‌خورد و لذا جواز اقطاع آن هم محل بحث است در حالی که پیش از قانون اساسی ۱۳۵۸ قراردادهای متعددی به تصویب مجلس رسید که مستفاد از آنها برداشت سرمایه‌ای از مخازن نفتی است. به هر حال در قانون اساسی سال ۱۳۵۸ معدن از زمره انفال شمرده شد فلذا به موجب این قانون نظام مالکیت نفت صراحتاً تعیین شد. مفاد این قانون در قانون نفت سال ۱۳۶۶ نیز تکرار شد ولی آثار این تغییر ماهیت قانونی در رویه‌های بعدی چندان تأثیر محسوس نداشت؛ زیرا در صورتی که این منابع جز انفال باشد به نیابت از امام در اختیار ولایت فقیه است در حالی که بعد از انقلاب و حتی بعد از تصویب قانون سال ۱۳۶۶ درآمدهای نفتی باز هم به حساب درآمدهای عمومی دولت واریز شد. همانطور که بیان شد در فرض دخول معدن در مالکیت امام اقطاع این منابع و معادن از نقطه نظر فقهی ممکن است اما در فرض اقطاع یا اباحه، انتفاع از معدن برای شیعه در زمان غیبت فقط خمس آنچه از معدن استخراج شده به امام تعلق

متحدۀ عربی وجود دارد، ادعای سود در داوری در امارات تا زمانی امکان پذیر است که با نرخ مناسب محاسبه شود و نوعی جبران تاخیر باشد..

داوری بین المللی در نظام حقوقی امارات متحدۀ عربی تا سال ۲۰۱۸ میلادی بر اساس فصل داوری قانون آیین دادرسی مدنی این کشور صورت می‌گرفت و در سال ۲۰۱۸ با تصویب قانون داوری فدرال امارات (شماره ۶) ضمن نسخ فصل داوری قانون آیین دادرسی مدنی، داوری های بین المللی بر اساس قانون داوری فدرال (که با قانون داوری نمونه آن سیترال همپو شانی دارد) انجام می پذیرد. این تحول پی شرفت قابل توجهی برای جامعه داوری بین المللی به ارمغان آورد و باعث تقویت حرکت امارات متحدۀ عربی برای تبدیل شدن به یکی از مراکز اصلی داوری بین المللی گردید. به موجب قوانین جدید، کسب و کارهای موجود در امارات متحدۀ عربی به ویژه در رابطه با «اجرای آرای داوری» به یک روند داوری انعطاف پذیرتر و کارآمدتر دسترسی پیدا کرده اند. (مددی، ۱، ۱۴۰۰)

۵- قواعد جدید مرکز داوری بین المللی دبی در سال ۲۰۲۲

پس از استقرار مرکز داوری بین المللی دبی (DIAC) به عنوان تنها مرکز داوری در دبی، مجموعه جدیدی از قواعد داوری توسط این مرکز در ۲ مارس ۲۰۲۲ منتشر شد. «قواعد جدید» که برای تطبیق با قانون داوری امارات متحدۀ عربی وضع و از ۲۱ مارس ۲۰۲۲ لازم الاجرا شده است، نسبت به پرونده‌هایی اعمال خواهد شد که درخواست رسیدگی آنها پس از این تاریخ تقدیم شده باشد.

است.. به ویژه، فصل پنجم قانون مجازات امارات با مجازات تمام اشکال سودی که در ازای پرداخت ارائه نشده اند، دیدگاهی سختگیرانه در مورد بهره اتخاذ می کند. هر کارمزد یا منفعتی از هر نوعی که از طرف طلبکار مقرر شده باشد، در صورت احراز منفعت مخفی محسوب می شود، که چنین کارمزد یا منفعتی با توجهی متشکل از یک منفعت یا خدمات واقعی و قانونی ارائه یا ارائه شده توسط طلبکار تامین نمی شود (قانون مجازات امارات متحدۀ عربی، فصل پنجم، مقاله ۴۰۹)

در راستای مقررات قانون مجازات مبنی بر ممنوعیت هرگونه سودی که در مقابل آن پرداخت نشده باشد، قانون مدنی امارات متحدۀ عربی مقرر می دارد که اگر وام مشروط به پرداخت سودی باشد که بیش از الزامات قرارداد باشد، غیر از تضمین حق وام گیرنده، شرط باطل است در حالی که عقد معتبر است. (قانون مدنی امارات، مقاله ۷۱۴). هنگامی که سود به تأخیر پرداخت اعمال می شود، وضعیت متفاوت است. بر اساس قانون تجارت امارات متحدۀ عربی، بهره وام های تجاری طبق نرخ مندرج در قرارداد مجاز است، یا با نرخی که در بازار وجود دارد، تا زمانی که در زیر باشد ۹٪ به مدت یک سال. (کد تجاری امارات متحدۀ عربی، مقاله ۷۲). به همین ترتیب، اگر طرفین در مورد نرخ بهره قابل اجرا توافق کرده باشند، زمانی که بدهکار در پرداخت نکول می کند، همان نرخ باید اعمال شود. طبق قانون تجارت، چنین سودی ممکن است به عنوان جبران تاخیر به بدهکار تعلق گیرد (کد تجاری امارات متحدۀ عربی، مقاله ۸۴). در نتیجه، در حالی که یک ممنوعیت کلی منافع در امارات

۵-۱- درخواست واحد برای ادعاهای متعدد مرتبط با موافقتنامه

داوری واحد

قواعد جدید پیش‌بینی کرده است که خواهان برای داوریِ دعاوی متعدد ناشی از بیش از یک موافقت نامه داوری، یک درخواست واحد ارائه دهد. در مواردی که بیش از یک موافقت نامه داوری وجود داشته باشد، دادگاه داوری ممکن است اجازه دهد که در صورت وجود شرایط خاص، رسیدگی به‌عنوان یک داوری واحد ادامه یابد. شرایط خاص مذکور می‌تواند حالتی باشد که طرفین درگیر در دعاوی متعدد، یکی باشند. همچنین اختیاراتی به دادگاه‌ها اعطا می‌شود تا داوری‌ها را پس از انتصاب آن‌ها ادغام نمایند.

۵-۲- رسیدگی فوری

در قواعد جدید، مقررات مربوط به رسیدگی فوری نیز پوشش داده شده است. در مواردی که مبالغ مورد ادعا و ادعای متقابل یک میلیون درهم یا کمتر باشد (مگر اینکه به نحو دیگری توافق شده باشد)، طرفین با تسریع در روند رسیدگی موافقت کنند یا پرونده دارای فوریت استثنایی باشد، رسیدگی فوری اعمال خواهد شد. در چنین مواردی، رأی باید ظرف ۳ ماه پس از دریافت پرونده توسط دیوان صادر شود (مگر اینکه دادگاه داوری خلاف آن را تعیین کند). مهم‌تر از همه، مقررات قابل اجرا برای رسیدگی سریع فقط در مورد توافقات داوری که پس از لازم‌الاجرا شدن قواعد جدید انجام می‌شود، اعمال می‌شود.

۵-۳- اقدامات موقت (دستور موقت) / داوران اضطراری

قواعد جدید حاوی ضمیمه‌ای است که به‌طور خاص اختیارات دادگاه‌ها را برای صدور دستور اقدامات موقت در طول رسیدگی تعیین می‌کند. دامنه اقدامات موقتی که در اختیار دیوان قرار دارد، گسترده است و عموماً مطابق با مفاد قانون داوری است. فرآیندهای درخواست برای صدور دستور موقت و تعیین داوران اضطراری نیز در این زمینه پیش‌بینی شده است.

۵-۴- هزینه‌های قانونی

قواعد جدید به دیوان اجازه می‌دهند تا در رابطه با هزینه‌های داوری رأی صادر کنند و هزینه‌ها را بین طرفین تقسیم نمایند. یکی از ویژگی‌های کلیدی این مقررات این است که هزینه‌های داوری صراحتاً شامل هزینه‌های نمایندگان قانونی طرفین نیز می‌شود.

(CMS Cameron McKenna Nabarro Olswang)

۶- چالش‌ها و مزایای داوری در حوزه نفت و گاز

۶-۱- چالش‌های داوری

چالش‌های داوری در حوزه نفت و گاز برای ایران و امارات نشان‌دهنده اهمیت ایجاد چارچوب‌های حقوقی شفاف، تقویت زیرساخت‌های داوری تخصصی و هماهنگی میان نظام‌های داخلی و بین‌المللی است. در صورتی که این مسائل حل نشوند، منافع کلان اقتصادی این دو کشور همچنان تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و کاهش اعتبار آن‌ها در قراردادهای بین‌المللی ادامه خواهد داشت. ایران به‌ویژه نیازمند اصلاحات حقوقی گسترده و آموزش داوران متخصص است تا بتواند در رقابت‌های حقوقی و اقتصادی بین‌المللی

و تعهدات موجود، قوانین مربوط به سالمی، امنیت، محیط زیست، کار، قوانین امنیتی همچنین دولت‌ها می‌توانند به نحو کاملاً قانونی از سرمایه‌گذاری سلب مالکیت کند. بر مبنای حقوق بین‌المللی عرفی، دولت حق سلب مالکیت از دارایی سرمایه‌گذاران خارجی را مشروط به شرایط زیر داراست (www.unctadxi.org).

تعهد نسبت به یک هدف عمومی غیر تبعیض آمیز موافق با اصول مناسب قانون همراهی با غرامت منصفانه برای سرمایه‌گذار اینها خطرات ویژه‌ای برای سرمایه‌گذار به وجود می‌آورد که نمی‌تواند صرفاً با تکیه بر قرارداد آن‌ها را حل کند. زمینه اصلی بروز اختلافات و دعاوی ناشی از قراردادهای نفتی از دهه ۱۹۵۰ به بعد، آن بود که پس از تبدیل سوخت کارخانجات صنعتی، کشتیها، لکوموتیوها و هواپیماها از زغال سنگ به نفت و مشتقات آن، هم شرکتهای طرف قرارداد و هم دولتهای صاحب نفت به اهمیت و ارزش حیاتی این ماده سوختنی واقف شدند و پی بردند که چه کالای ارزشمندی را در اختیار دارند. شرکتهای نفتی غربی که صاحب صنایع و تکنولوژی بودند و بیش از پیش به نفت نیاز داشتند، در مقام تحکیم و تثبیت موقعیت قراردادی خود برآمدند و به کمک مشاورین حقوقی خود به نظریه‌پردازیهایی جدید پرداختند. مقصود و هدف اصلی آنها دو مطلب بوده است: یکی خارج کردن قرارداد از قلمرو قوانین داخلی و تصمیمات مقامات کشور طرف قرارداد به کمک تئوری «بین‌المللی کردن قرارداد»، و سپس القاء و الصاق ماهیت حقوقی خاص به قراردادهای نفتی به عنوان «قراردادهای توسعه اقتصادی». دوم، تثبیت اصل تعهد به پرداخت غرامت به عنوان یک تعهد مستقل برای

عملکرد بهتری داشته باشد. ایران و امارات متحده عربی به عنوان دو کشور مهم در صنعت انرژی منطقه خاورمیانه، به دلیل ویژگی‌های خاص قراردادهای نفت و گاز، بارها در فرآیند داوری بین‌المللی درگیری‌های حقوقی تجربه کرده‌اند. این چالش‌ها شامل مشکلات ساختاری، حقوقی و اجرایی بوده که در ادامه به تفصیل بیان می‌شود.

۶-۲- مشکلات قراردادهای بین‌المللی نفتی

الف- حاکمیت دولت‌ها دولت زمانی حاکم است و حاکمیت دارد که تمام عملکردهای یک دولت مقتدر و حاکم را در رابطه با حفظ قانون و دستورالعمل‌ها، پذیرش یا تحمیل وضع قانون در روابط ساکنین قلمرو خویش با یکدیگر و با دولت به اجرا گذارد. دولت بر امور خود در مناطق سرزمینی و افعال شهروندان خود کنترل کاملی دارد. دولت در ماهیت حقوق بین‌الملل نیز صلاحیت کاملی دارد و با ورود به قراردادهای بین‌المللی است که قلمرو حاکمیت محدود می‌شود. حاکمیت دولت، در قدرت قانونی اش و توسط وضع قانون در قوه مقننه یا تصویب آیین نامه در قوه مجریه و نیز قانون اساسی به منظور ساختن هنجارهای قانونی تبلور می‌یابد.

ب- خطرات سرمایه‌گذاری ناشی از حاکمیت دولت و سرمایه‌گذار در زمینه‌های اجرایی قراردادی برابر نیستند چرا که دولت می‌تواند قانون حاکم بر قرارداد سرمایه‌گذار را تغییر داده، نرم‌هایی امری وضع کند که بر قرارداد سرمایه‌گذاری قابل اجرا باشند. دولت می‌تواند به منظور زیر فشار قرار دادن سرمایه‌گذار نرم‌های محلی را تغییر دهد، از قبیل: مالیات و دیگر پرداخت‌های امری، دمه‌ها

دولت و خصوصاً تثبیت ضابطه غرامت کامل به‌عنوان مالک جبران خسارت .

بند دوم- نقش شرط ثبات در قراردادهای بین‌المللی نفتی شروط ثبات در کلیه قراردادها باالخص قراردادهای نفتی نقش ویژه‌ای در جلوگیری دولت میزبان از تصویب قوانین مغایر با قرارداد و تغییر قانون حاکم در زمان انعقاد قرارداد دارند. موارد زیر از جمله کارکردهای شروط ثبات می‌باشند: الف- تثبیت قانون قبول برابری قراردادی دولت با سرمایه‌گذار، ب- جلوگیری از اصلاحات یک جانبه دولت می‌تواند از اختیارات ویژه‌ی خود به منظور اصلاح یک جانبه قوانین احاطه‌کننده قرارداد استفاده کند. شرط ثبات به منظور جلوگیری از چنین اقدامات یک جانبه‌ای به کار گرفته می‌شود. دولت‌ها اغلب چنین تضمینی را به عنوان شکلی از ارتقاء سرمایه‌گذاری به کار می‌گیرند. البته همیشه به طور کامل نتایج آن احساس نمی‌شود. سرمایه‌گذاران باید در طرح چنین مکانیسم‌هایی دقت کافی به عمل آورند. ج- جلوگیری از اصلاح قانون با تأثیر مستقیم بر تعهدات قراردادی غالباً شروط ثبات تلاش در جهت کاهش اختیار دولت در تغییر مفهوم قانون حاکم دارند. تکنیکی جهت محدود نمودن قلمرو کنترل قانون وجود دارد. مدل قراردادی تونسسی به شرح زیر است: "پیمانکار بایستی شروط این قرارداد را تحت کنترل در آورد به همان میزانی که همه قوانین و دستورالعمل‌ها توسط اعطای قدرتی که ناسازگار و متعارض با کنوانسیون ویا این قرارداد نیست بر حسب وظیفه تصویب شده‌اند... همچنین مورد توافق قرار گرفته است که هیچ آیین‌نامه جدید، اصلاحیه، تغییر

متعارض یا ناسازگار با شروط این قرارداد و یا کنوانسیون که البته قابلیت اجرایی داشته باشد نیز صورت نگیرد." د- تثبیت قانون زمان قرارداد برخی شروط، ثبات شرایط نظام قانون انتخاب شده به عنوان قانون حاکم بر قرارداد و به منظور جلوگیری از اعمال هر گونه تغییرات در آینده این سیستم را تثبیت می‌کند (نگاه کنید به فاینس بین‌المللی آمیکو علیه ایران) ه- حفظ وضعیت اقتصادی در زمان انعقاد قرارداد شروط ویژه جبران خسارت متعاهد با دولت به منظور جبران ضررهایی که وارد شده به عنوان نتیجه قرارداد جهت هزینه‌های انجام شده توسط کشورهای متعاهد که مستقیماً یا غیر مستقیم ارایه می‌شود. (دوست معتمدی، ۲۰۱۶: ۳)

۷- نتیجه‌گیری

مسئله دآوری در حوزه حقوق نفت و گاز از جمله مباحث حیاتی و پیچیده در عرصه حقوق بین‌الملل و حقوق تجارت است که به‌ویژه در کشورهای دارای منابع طبیعی غنی مانند ایران و امارات متحده عربی اهمیت ویژه‌ای دارد. این دو کشور، به دلیل موقعیت جغرافیایی و برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز، همواره درگیر قراردادهای بین‌المللی و داخلی در زمینه انرژی و منابع طبیعی هستند. این مسئله در دنیای امروز، که رقابت‌های جهانی و تحولات سیاسی و اقتصادی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. در نهایت، بررسی و تحلیل دآوری در حوزه حقوق نفت و گاز، به‌ویژه در دو کشور ایران و امارات متحده عربی، می‌تواند یک نقشه راه جامع برای رسیدگی به اختلافات در این حوزه فراهم آورد. این فرآیند به توسعه ابزارهای حقوقی و بین‌المللی

عمومی نیز به خود میگیرد. همین امر باعث شده که در داخل نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی، مسائلی پذیرفته میشود که در سایر قراردادهای تجاری بینالمللی لحاظ نگردیده است. این مسائل هرگز باعث نشده است که قواعد تجارت بین الملل از اعمال بر این نوع قراردادها باز ایستد، بلکه صرفاً باعث شده تا تغییراتی در بعضی از مقررات و قواعد به وجود آید

که جنبه استثنا بر عمومات داشته، در سایر موارد باید همچنان به دیگر قواعد حاکم بر قراردادهای تجاری بینالمللی مراجعه نمود. وقوع اختلاف و طرح دعوا از محتملترین فروضی است که در هر قرارداد قابل تصور است و در این میان، داوری به عنوان یکی از مهمترین طرق حل و فصل اختلافات، به دلیل مزایایی چون سرعت، سهولت و کم هزینه و تخصصی بودن، از جایگاه ویژه‌ای در میان ساز و کارهای حل و فصل اختلافات، بهخصوص در قراردادهای نفت و گاز برخوردار بوده و هست. بهموازات تحول در ساختار این قراردادها، شروط داوری نیز شاهد حرکتی رو به تکامل بوده است. از نظر ساختارشناسی، شروط داوری نفتی دو ساختار مشخص را در طول حیات خود تجربه کرده اند. روند تکامل شروط داوری از کلاسیک به مدرن در برگیرنده نتایج مهمی چون ضابطه‌مند شدن و عملکرد بهتر در حل و فصل اختلافات است شرط داوری کلاسیک با موردی بودن داوری در اختلافات، در عمل مشکلات بسیاری را برای طرفین دعوا به وجود می آورد و تشتت جزء جدایی ناپذیر آن بود اما رفته رفته و با مدرن شدن شروط داوری مسئله نهادی بودن داوری و ارجاع اختلافات به سازمانهای متخصص در این زمینه و

در راستای بهبود فرآیندهای داوری و حل اختلافات کمک خواهد کرد و در نهایت به ثبات و پیشرفت بیشتر در عرصه انرژی خواهد انجامید. ایران و امارات به عنوان دو کشور بزرگ تولیدکننده نفت و گاز در منطقه خاورمیانه، با چالش‌ها و فرصت‌های مشابهی در زمینه داوری در این حوزه روبرو هستند، تفاوت‌های عمده‌ای نیز در شیوه‌های قانونی، ساختارهای نهادهای داوری و الزامات بین‌المللی حاکم بر قراردادها وجود دارد که بر روند رسیدگی به اختلافات تأثیرگذار است.

پیچیده شدن فعالیتهای اقتصادی و تقسیم وظایف ناشی از تخصصی شدن امور در دنیای تجارت بینالملل امروز، موجب شده است که برای تحقق عملیات اقتصادی واحد، اشخاص متعددی درگیر شده و قراردادهای متنوعی منعقد شود. امروزه فروش کالا در عرصه بینالمللی نیز مستلزم انعقاد قراردادهای متعدد ازجمله قرارداد فروش، قرارداد تأمین اعتبار، قرارداد ضمانت و غیره است. این واقعیت در حوزه‌های مختلف تجارت بین الملل، ازجمله در حوزه صنعت، عمران، نفت و گاز و امور زیربنایی جلوه بیشتری پیدا میکند، به گونهای که در این عرصه‌ها، شبکه‌های پیچیده و به هم تنیده از قراردادهای متنوع بین اشخاص متفاوت، باهدف تحقق عملیات اقتصادی واحد منعقد میشود.

بررسی مجموع آرای داوری نفتی نشان میدهد که قراردادهای نفتی، هیچگاه یک قرارداد دولتی محسوب نشده‌اند و داوران همواره طرفین را پایبند به قراردادی مشمول مقررات حقوق تجاری بینالمللی نموده‌اند که قواعد حاکم بر این رابطه، رنگی از حقوق

و مقررات داخلی آنها دارد. بهترین راهکار ممکن ترکیبی از روش‌های مختلف، مانند داوری بین‌المللی، مذاکرات دوستانه و استفاده از کمیسیون‌های مشترک است. در اینجا به برخی از پیشنهادات عملی و مؤثر در این زمینه پرداخته شده می‌شود.

مذاکره مستقیم:

- توضیح: اولین و مهم‌ترین گام، تلاش برای حل اختلاف از طریق مذاکره مستقیم بین طرفین است. این مذاکرات باید بر اساس حسن نیت، احترام متقابل و درک منافع مشترک صورت گیرد.

- پیشنهاد عملی: ایجاد یک کمیته مشترک با حضور نمایندگان ارشد هر دو کشور برای بررسی دقیق موضوعات مورد اختلاف و یافتن راه‌حل‌های قابل قبول. میانجی‌گری:

- توضیح: در صورت عدم موفقیت مذاکرات مستقیم، می‌توان از یک میانجی بی‌طرف و مورد اعتماد هر دو طرف کمک گرفت. میانجی می‌تواند به تسهیل ارتباطات، ارائه پیشنهادات سازنده و کمک به یافتن نقاط مشترک بپردازد.

- پیشنهاد عملی: انتخاب یک سازمان بین‌المللی معتبر (مانند اتاق بازرگانی بین‌المللی) یا یک شخصیت حقوقی برجسته به عنوان میانجی.

هم چنین پیش بینی تمامی فروض احتمالی اختلاف در قراردادهای فی ما بین طرفین که یک طرف آن نیز عمدتاً دول خارجی می‌بودند، زمینه کشاکش و اختلافات آتی کمتر گردیده و در عمل شاهد یکپارچگی و وحدت رویه در صدور آراء مختلف با رویه واحد از سوی این نهادهای بین‌المللی داوری هستیم به گونه‌ایکه از قدرت عمل دولتها و احیاناً سوء استفاده‌های آنها در فسخ یکجانبه قرارداد به بهانه‌های واهی کاسته شده است.

در نهایت، بررسی داوری حقوق نفت و گاز در ایران و امارات متحده عربی نمایانگر نیاز به نهادهای داوری کارآمد و تخصصی برای حل اختلافات پیچیده و فنی در این حوزه است. با توجه به چالش‌های مختلف قانونی، سیاسی و اقتصادی، باید تلاش شود تا از ابزارهای داوری به‌عنوان راه‌حلی سریع، کارآمد و بی‌طرف برای حل و فصل اختلافات استفاده شود. این روند نه تنها موجب جلوگیری از بحران‌های حقوقی می‌شود، بلکه به تقویت روابط تجاری و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در صنعت نفت و گاز کمک خواهد کرد. در این مسیر، تقویت نهادهای داوری داخلی و بین‌المللی، شفاف‌سازی قوانین و مقررات و ارتقای استانداردهای قانونی در هر دو کشور، از جمله اقدامات اساسی به شمار می‌آید که می‌تواند نقش کلیدی در بهبود محیط کسب و کار و حل اختلافات حقوقی در صنعت نفت و گاز ایفا کند.

پیشنهادهای

حل اختلافات در قراردادهای نفت و گاز بین ایران و امارات، به‌طور عمده بستگی به نوع اختلاف، روابط تجاری میان دو کشور و قوانین

داوری:

"کد تجاری امارات متحده عربی"، مقاله ۸۴

بیگدلی، سعید، (۱۳۹۴)، "تعدیل قرارداد"، تهران: نشر میزان، چاپ ۴.
جنیدی، لعل، (۱۳۹۲)، "اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی"، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ ۳.
دوست معتمدی، بتول، (۲۰۱۶)، "شرط ثبات در قراردادهای نفتی بین المللی"، گلوبال کنفرانس، صص ۱۳-۱

CMS Cameron McKenna Nabarro Olswang (2023)

www.unctadxi.org/

- توضیح: اگر مذاکره و میانجی‌گری به نتیجه نرسید، داوری یک روش قانونی برای حل اختلاف است. در این روش، یک یا چند داور مستقل به بررسی موضوعات مورد اختلاف می‌پردازند و رای نهایی را صادر می‌کنند.
- پیشنهاد عملی: توافق بر سر انتخاب یک مرکز داوری معتبر بین‌المللی (مانند دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی) و تعیین قوانین و مقررات داوری.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

قانون مدنی امارات متحده عربی"، مقاله (۷۱۴).

"قانون مجازات امارات متحده عربی"، فصل پنجم: مقاله (۴۰۹)

"کد تجاری امارات متحده عربی"، مقاله ۷۲